

ساقی نامہ سرایان استان بوشہر

بہ کوشش

عبدالمجید زنگویی

سرشناسه	: زنگویی، عبدالمجید، ۱۳۱۶ - ، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: ساقی نامه سرایان استان بوشهر / به کوشش عبدالمجید زنگویی
مشخصات نشر	: تهران: لیان، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	: ۱۶۶ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۰۸-۶۵-۶
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: شعر فارسی - ایران - بوشهر (استان) - مجموعه ها
موضوع	: Persian poetry-Iran-Bushehr (Province)-Collections:
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه ها
موضوع	: Persian poetry-20th century-Collections:
موضوع	: شاعران ایرانی - بوشهر (استان)
موضوع	: (Poets,Persian-Bushehr (Iran:Province:
موضوع	: ساقی نامه ها * Saqinameh-ha
رده بندی دیویی	: ۸۱۶/۱ فا ۸
رده بندی کنگره	: ۲۱۰۱۶ س ۹ ز / PIR۸۷۱۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۰۲۱۸/۷

ساقی نامه سرایان استان بوشهر

به کوشش عبدالمجید زنگویی

شمارگان	: ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ	: اول
سال چاپ	: ۱۳۹۷
چاپ و صحافی	: نهضت پویا
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۰۸-۶۵-۶

انتشارات لیان

تهران: سعادت آباد، بلوار دریا، خیابان ارغوان شرقی، کوی مروارید، خیابان شقایق ۲، پلاک ۱۰ واحد ۶

تلفن: ثابت ۸۸۵۶۰۴۸۹ - ۰۲۱ همراه ۲۱۱۶۸۳۳ - ۰۹۱۲

فهرست

عنوان	رویه
مقدمه: دکتر سید جعفر حمیدی.....	۹
پیشگفتار: - دال جید زنگویی با نمونه‌هایی از ساقی‌نامه‌ها.....	۲۱
ساقی‌نامه‌ها:	
۱ - ساقی‌نامه محمد بن ابراهیمی.....	۱۰۷
۲ - ساقی‌نامه حیدر احمدی (محزون مشرقی).....	۱۱۱
۳ - ساقی‌نامه دکتر سید جعفر حمیدی.....	۱۲۰
۴ - ساقی‌نامه محسن دلواری‌زاده.....	۱۴۱
۵ - ساقی‌نامه مرتضی زندپور.....	۱۴۴
۶ - ساقی‌نامه و مثنوی‌نامه عبدالمجید زنگویی.....	۱۴۷
۷ - منابع و مأخذ.....	۱۶۵

مقدمه

دکتر سیدجعفر حمیدی

ساقی نامه ها را می توان پرتحرک ترین و پراثرترین شاعرانه های تخیل شاعران دانست. این نوع شعر که از قعر جان و عمق روح برمی خیزد، بهره باغ و نر و بلوه ای از کاخ نظر است که نه از سر تفنّن بلکه از غلیان لاله های روح شاعر است. تسلط بحر متقارب (فعولن فعولن فعولن فعولن) که احساس و عشق را از روح تابناک فردوسی و نظامی نیز پدید آورده است در این گونه از شعرها بیشتر است هر چند که در محور دیگر عروض نیز ساقی نامه دیده شده است مثل قالب رباعی در شعر اهلای شیرازی (ف ۹۴ هـ.ق) یا در قالب ترجیع بند در شعر فخرالدین عراقی (ف ۶۱۸ هـ.ق) و یا قالب های دیگر.

در ساقی نامه ها که بیشتر جنبه عرفانی و تفکرات توئییدی از سر جنبه های ظاهری غلبه دارند توصیف ساقی (ساقی نامه) معنی و مغنی نامه) خمر، خواص باده، بی ریایی می خواران ذکر میخانه و انتقاد از زهد ریایی، وصف الحال مردم روزگار، پند و نصیحت، اخلاق و ترجیح میخانه معرفت بر سایر اماکن مشهود است.

به میخانه آی و صفا را ببین

مبین خویشتن را، خدا را ببین

تو در حلقه می‌پرستان درآ
که چیزی نبینی به غیر خدا
(رضی‌الدین آرتیمانی)

ساقی‌نامه‌سرایان غالباً عرفایی بوده‌اند که به ظواهر دنیوی و مقامات مادی نمی‌اندیشیده‌اند و مقام زهدفروشی را مورد کوهش و سرزنش قرار می‌داده‌اند و در اشعار خود، تباهی روزگار و مآلایات ناروای فاسدان و مفسدان را بازگو می‌کرده‌اند. آنان برای بیان افکار خود از نمادهایی همچون می، میخانه، وحدت، خرابان، ساقی، مغنی، زاهد، زهد، مسجد، خانقاه، مستی، وجد، سماع، غم، مغ و اصطلاحاتی برای باده مثل، آب آتش خیال، آب آتش خراج، آب آتش خواص، آب آتش لباس، آب آتش اثر، آب آتش فروز و ... استفاده می‌کرده‌اند. دقیقاً مشخص نیست که چه کسی برای نخستین بار ساقی‌نامه سروده است اما ملا عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی در کتاب تذکره میخانه (تألیف ۱۰۲۸ هـ. ق) اولین سراینده ساقی‌نامه را نامی دانسته که در کتاب اسکندرنامه (۵۹۷ هـ. ق) و در آخر داستان اسکندرنامه برّی دو بیت به ساقی و در اسکندرنامه بحری در بیت به مغنی خطاب کرده است، همچنین امیر خسرو دهلوی در آیینۀ سکندری و عبدالرحمان جامی و هاتفی خرجردی اشعار پراکنده‌ای در ساقی‌نامه دارند اما به قول دیگر فخرالزمانی اولین شاعری که ساقی‌نامه مستقل سرود ظاهراً خواجوی کرمانی (ف. ۷۵۳ هـ. ق) در همای و همایون است (ر.ک مقدمه تذکره

میخانه از پروفیسور محمد شفیع به کوشش زنده‌یاد احمد گلچین معانی)

ناگفته نماند که پیش از این تاریخ‌ها ردپایی از ساقی‌نامه و توصیف خمر در اشعار شاعرانی مثل رودکی (ف. ۳۲۹ هـ.ق) و به‌ویژه منوچهری (ف. ۴۳۲) دیده شده است و منوچهری قطعاً بدغمیه‌های شعرای عرب عصر جاهلیت و اوایل اسلام و دوره عباسی که در ایران وارد طبع آزمایی بسیار کرده‌اند نظر داشته است. اگر آغاز خمریه‌ساز را قرن چهارم و پنجم بدانیم در قرن ششم و به‌ویژه در قرن هفتم و هشتم سرودن خمریه و ساقی‌نامه رواج بسیار یافت و ادامه‌ی آن تا عصر صفوی و حتی بعد از آن قابل مشاهده است. در قرن هشتم شاعران بزرگی مانند امیر خسرو دهلوی (ف. ۷۲۵) خواجوی کرمانی (ف. ۷۵۳) سلسلی (ف. ۷۷۸) و سرآمد همه شمس‌الدین محمد حافظ (ف. ۷۹۱ هـ.ق) به سرودن ساقی‌نامه پرداختند که ساقی‌نامه‌ی حافظ بعدها در ردیف استفاده و تأثیر بسیاری از شعرای بعد از او قرار گرفته

سر فتنه دارد دگر روزگار
من و مستی و فتنه چشم‌یار
فریب جهان قصه‌ای روشن است
بین تا چه زاید شب آبستن است
در این خونفشان عرصه رستخیز
تو خون صراحی به ساغر بریز
بیا ساقی آن آب اندیشه سوز
که گر شیر نوشد شود بیشه سوز

بده تا روم بر فلک شیرگیر
 به هم بر زخم دام آن گرگ پیر
 بیا ساقی آن می که حال آورد
 کرامت فزاید کمال آورد
 به من ده که بس بی دل افتاده‌ام
 وزین هر دو بی حاصل افتاده‌ام...

(حافظ)

سرچشمه ساقی‌نامه پس از حافظ در میان برخی از شاعران ایران
 رسم شد. پی‌نازک عابدینی فخرالزمانی در تذکره میخانه از هشتاد و
 هشت شاعر ساقی‌نامه‌سرای و شیخ آقابزرگ تهرانی در کتاب الذریعه
 از یکصد و بیست و پنج شاعر ساینده‌ی ساقی‌نامه یاد کرده‌اند.
 علاوه بر ساقی‌نامه، بعضی از شاعران اشعار دیگری را در همین
 بحر متقارب سروده‌اند که مغنی‌نامه نام دارند. مغنی خواننده و
 نوازنده است و کسی است که با آواز ساز خود دل‌ها و سرها را به
 طرب می‌آورد و در اعتقاد شاعران مورد استراحت و آسودن بوده است،
 گاهی نیز مغنی را با نام مطرب خطاب می‌کرده‌اند. همچنین مطرب
 را رهن نیز می‌گفته‌اند که ره اشاره به پرده‌ی رهاوی است.

ساقی به نور باده برافروز جام ما
 مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما

(حافظ)

مطربا زین پرده زن کز رهزنان فریاد و داد
 خاصه این رهزن که ما را این چنین بر باد داد
 مطربا این ره زدن زان رهزنان آموختی
 زانکه از شاگرد آید شیوه‌های اوستاد

(مولوی)

و مطرب برخلاف نظر عوام در بین اهل دل از حرمت خاصی
 برخوردار بوده تا جایی که مولانا مطرب را عارف گوینده خطاب
 کرده است.

من خمشم خست گلم عارف گوینده بگو
 زان که تو داوود دمی : چو گهم رفته ز جا

در شعر شاعران ساقی‌نامه‌سرا، آواز خوان ، نوازنده به معنی تبدیل
 شده است.

معنی نوای طرب ساز ک
 به قول و غزل قصه آغاز کن
 معنی بساز آن نوآیین سرود
 بگو با حریفان به آواز رود
 که از آسمان مژده نصرت است
 مرا بر عدو عاقبت فرصت است
 معنی نوایی به گلبانگ رود
 بگوی و بزن خسروانی سرود

روان بزرگان و خود شاد کن
ز پرویز و از باربد یاد کن

(حافظ)

مغنی یکی زخمه بر تار زن
به چشمی که خوابش برد، خارزن
به مضراب تر کن رگ خشک ساز
چو مژگان عارف ز اشک نیاز

(نوعی خبوشانی)

مغنی یک امشب به آواز چنگ
بلاصم ده از رنج این راه تنگ
دگر پیش شود راه بر من فراخ
برم رخت باین از این سنگلاخ

(حافظ)

برخی از شاعران ساقی‌نامه و مغنی‌نامه را به طور جداگانه و مستقل از هم سروده‌اند و گروهی دیگر این موضوع را با هم درآمیخته و ساقی‌نامه و مغنی‌نامه را درهم سروده‌اند. مستلم است که آن تعاریف و توصیفات که شاعران از می و میخانه و ساقی و مطرب و حتی بتخانه نموده‌اند، همه از نظر عرفا جنبه‌های روحانی و عرفانی داشته‌اند نه جنبه عیاشی و شادخواری و انتقادات جهانی خود را آنچنان در لباس معرفت سروده‌اند که ظن کسی را در خصوص شادخواری و می‌خواری برنمی‌انگیزد. ناگفته

نماند که شادی و شادی‌طلبی که محور اصلی بسیاری از اشعار شاعران مخصوصاً شاعران ساقی‌نامه‌سرا می‌باشد غیر از شادخواری و باده‌گساری ظاهری و مادی است. شاد بودن جزو ذات بشر است و به شادی گذراندن روزگار و پشت پا زدن بر غم و اندوه زمانه، نیروی درسی و عمر آدمی را افزون می‌سازد.

ساقی کیست؟ تاکنون مقالات و رسالات فراوان دربارهٔ ساقی به رشتهٔ تحریر درآمده و هیچکس در معنی آن تردید ندارد که به معنی سقا یا زنند، آب‌دهنده و سیراب‌کننده است و در اصطلاح، کسی است که در میخانه از مشتریان پذیرایی می‌کند. در طول قرون گذشته در مجلس و اماکن می‌خوارگی از وجود کودکان کم‌سن و سال و غلامان خوب‌روی و در مجالس شاهان از وجود زنان برای ساقی‌گری استفاده می‌شده است. معمولاً شغل ساقی‌گری از نظر مردم و بخصوص از نظر مسلمانان شغلی پست و بی‌ارزش و گناه‌آلود بوده است و بیشتر میخانه‌داران و ساقیان آنها کسانی بوده که غیرمسلمان بوده‌اند. اما کسانی بوده‌اند که شغل ساقی‌گری را برای خود افتخار می‌دانسته‌اند. با اینکه ساقی شغل حرامی را انجام می‌داده لیکن در شعر شاعران پارسی‌گوی واژه ساقی به فراوانی دیده می‌شود و در دیوان حافظ، ساقی به عنوان یک فرد تطهیر شده، پاک، شریف و حتی طرف مشورت معرفی شده است. مقصود حافظ در به‌کار بردن فراوان کلمه ساقی، به ندرت ساقی زمینی و مادی است بل که او برای ساقی مقامی بالا و والا در نظر گرفته است نه سقاییت‌کننده

و شراب دهنده محض.

در بیشتر اشعار حافظ منظور از ساقی، مرشد، پیر، شیخ و حتی پیامبر اکرم (ص) است.

ساقی به نور باده برافروزد جام ما
مطرب بزن که کار جهان شد به کام ما
ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم
ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما

(حافظ) ص ۱۲

و در شعر شیخ بهایی ساقی کسی است که شراب روحانی را به دست مرید می‌دسد.

ساقیا بسا جایی زین شراب روحانی
تا دمی بیاسایم زین حجاب جسمانی
زاهدی به میخانه سرخورد می دیدم
گفتمش مبارک باد بر تو ای مایمانی

(شیخ بهایی)



و حتی در شعر حافظ ساقی عادل و درست کار و سازنده معرفی شده است.

ساقی به دور عدل بده باده تا گدا
غیرت نیاورد که جهان پُر بلا کند

ص ۱۷۹

